

بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

بحث در تربیت جسمی و طبیعی بود که در فقه ما چند عنوان وجود دارد که با این بحث ارتباط دارد که یکی از آنها عنوان رضاع بود که بحث شد و یکی عنوان حضانت و دیگری عنوان نفقه است که فعلاً بحث ما حضانت است که نگهداری و مواظبت از کودک است.

## وجوب حضانت از کودک بر والدین

سؤالی که در این جا وجود دارد این است که آیا حضانت و مواظبت و نگهداری طبیعی و جسمی و بدنی و تأمین نیازهای طبیعی کودک بر پدر و مادر یک تکلیف و وظیفه است یا صرفاً در حد استحباب است؟ گفته شد که ادله‌ای از کتاب و سنت و عقل می‌شود بر این امر اقامه کرد و در کتاب موسوعه الاحکام الاطفال اقوال اهل سنت و شیعه ذکر شده است. در ادله بحث ما در آیه مضاره بود که چند نکته در باره آن ذکر شد اما اشکالی که می‌شود در پایان همه بحث‌ها برای دلالت آن بر وجوب و ضرورت حضانت متوجه این آیه کرد این است که عرفاً اضرار و مضاره‌ای که تحریم می‌شود ظهور دارد در این که کاری انجام دهد که به دیگری ضرر برساند که این بیشتر ظهور عرفی مضاره است یعنی اقدامی کند که به دیگری ضرر برساند مثلاً در گوش کسی بزند یا دستش را ببرد یا غذای مسموم به او دهد و ... یعنی فعلی انجام دهد که او در ضرر و زیان قرار بگیرد. اما معلوم نیست عدم ممانعت از ورود ضرر را عرفاً ضرر به حساب آورند مثلاً کسی یک شخص دیگر را در چاه بیندازد یا چوبی به او بزند در واقع به او ضرر می‌رساند ولی ممکن است که شخصی به چاه می‌افتد و شخص دیگر جلوی او را نمی‌گیرد درحالی که می‌تواند مقدماتی فراهم کند که او در چاه نیفتد که در این موقع عرفاً می‌گویند جلوی ورود ضرر به او را نگرفت. با یک دقت عقلی می‌توانیم بگوییم چون می‌توانست جلوی ضرر را بگیرد و نگرفته است پس این نوعی اضرار است. اما در عرف عامه محل تردید است و لازم نیست احراز کنیم و بگوییم که حتماً اضرار نیست بلکه همین که شک داریم کافی است.

## ترک اضرار یا پیشگیری از اضرار

علیرغم نکاتی که گفته شد به نظر می‌آید که می‌شود به این آیه برای وجوب حضانت و حرمت ترک حضانت استدلال کرد، که استدلال تامی نیست و آن چه که از این آیه استفاده می‌شود این است که باید پدر و مادر از چیزهایی که عرف برای فرزند ضرر می‌بیند، پرهیز کنند اما اقداماتی که از ورود ضرر ممانعت می‌کند ظاهراً مشمول آیه نیست. پس دو نوع اقدام وجود دارد: یکی اقدامی است که با آن ضرر وارد می‌شود و یکی اقدامی است که با آن جلوی ورود ضرر گرفته می‌شود و معلوم نیست که دومی مشمول آیه شود یا نه.

اگر کسی غذای ناسالم به کودک دهد و یا او را اذیت کند و به او آزار برساند این مشمول آیه است و حرام هست ولی اگر کاری انجام دهد که جلوی ورود ضرر را می‌گیرد در این موقع مشمول آیه نمی‌شود. پس به نظر می‌آید این آیه حرمت اضرار را می‌رساند و اضرار یک امر عرفی است و ترک ممانعت و پیشگیری اضرار نیست. البته این مطلب عقلایی است و ممکن است از راه‌های دیگر هم بتوانیم برای آن استدلال کنیم ولی این حکم خصوصیتی دارد که اضرار نباید کند و نباید اقدامی انجام دهد که به او آسیب رساند.

## مفهوم لغوی و عرفی ضرر

در لغت ضرر یعنی سوءالحال و اضرار یعنی وارد کردن سوءالحال به دیگری. و وقتی که این لغت در فضای عرفی قرار می‌گیرد یعنی کاری کند که زیانی به او برساند. البته مفاهیم عرفی می‌توانند منعطف و متغیر باشند یعنی ممکن است چیزی را زمانی ضرر نبینند و زمانی ضرر ببینند ولی ما در اینکه عدم فعل چیزهایی بتواند مصداقی برای اضرار شود شک داریم و در مقام یک استدلال فقهی تردیدی باقی است و لذا این احتمال وجود دارد که بگوییم این استدلال تام نیست.

## آیه ائتمار آیه ۶ سوره طلاق

آیه مضاره و آیه ائتمار قبلاً به طور مفصل بحث شده است اما در این جا دوباره به آیه ائتمار توجهی خواهیم داشت. آیه ائتمار آیه ۶ سوره طلاق هست «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» که قبلاً نکاتی درباره آن ذکر شده و در این جا چند نکته که به بحث ربط دارد بیان خواهد شد.

## مفهوم ائتمار

یک نکته این است که «وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» مفهوم ائتمار است و در لغت و ... چهار قول ذکر شده است: اولی ائتمار به معنای قبول الامر است: «وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» یعنی اگر کسی شما را امر به معروف کرد امر او را بپذیرید (فَلْيَقْبَلْ كُلُّ مَنْكُمَا الْأَمْرَ مِنَ الْآخِرِ). معنای دوم یعنی امر به متقابل یعنی زوج، زوجه را امر به معروف کند و زوجه هم زوج را امر به معروف کند (لِلْأَمْرِ بَعْضُكُمْ بَعْضٌ). معنای سوم عزم و هم است. ائتمار یا ائتمار به معنای هم به وَاَعْتَزَمَ عَلَيْهِ یعنی عزم به کاری کند و همتش را برای انجام کاری بسیج کند. معنای چهارم تشاور و مشورت است. «وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» یعنی زن و شوهر برای این که کار نیک انجام دهند بین خودشان مشورت کنند. این چهار معنای در تفسیر برای ائتمار ذکر شده است و ما معنای چهارم یعنی تشاور را ترجیح دادیم و گفته شد که در قرآن هم معنای استشاره به کار رفته است اگر چه معنای دیگر هم معنای درستی هستند.

یک نکته این است که در «وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»، بینکم با قبول و امر یکی به دیگری و یا هم و اعتزام، سازگار نیست. «وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» یعنی بین خودتان مشورت کنید و بینکم با مشورت سازگارتر است البته با بعضی استعمالات قرآنی هم سازگار است و در لغت هم بیشتر به معنای تشاور به کار رفته است و مَأْتَمَرٌ که به کنگره‌ها و نشست‌ها نیز گفته می‌شود یعنی جایی که تبادل نظر شود. پس برای این که معنای چهارم را به خاطر شواهدی که در آیه است بپذیریم و ترجیح دهیم «وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» یعنی خطاب به زن و شوهری [که طلاق دادند] می‌کند که یعنی باید بین خودشان به شکل خوب و مناسبی نسبت به فرزند مشورت کنند.

## ائتمار، عنوان مشیر به عمل

نکته دوم این است که ائتمار در این جا عنوان مشیر به عمل است چون در عرف موضوعیت ندارد که حتماً مشورت کنید، همیشه مشورت طریق بر این است که کار صحیح انجام شود و در این جا آیه می‌خواهد بگوید که تعاون میان خودتان و در ارتباط با فرزند باید تعاون پسندیده‌ای باشد و برای رسیدن به آن مشورت کنید به عبارت دیگر عناوینی که در ادله می‌آید اصلش این است که خودش موضوعیت دارد یعنی خود آن عنوان متعلق امر یا نهی است ولی بعضی عناوین طریقیّت دارد یعنی راهی است برای تکلیف اصلی که در دلیل وجود دارد که در این جا مشورت طریقی است برای این که خوب اقدام و عمل شود.

## مفهوم (معروف) در آیه ائتمار

نکته سوم معروف است و معروف چیزی است که عرف و عقلا آن را نیک و پسندیده می‌دانند منتهی شارع این عناوین را توسعه می‌دهد. معروف یعنی کار نیک و نیک یعنی کاری که عقلا و مردم آن را نیک می‌دانند منتهی در نظام شرعی، نیک همیشه توسعه پیدا می‌کند و همان مینا، مبنای فهم ارتکازات عرفی است و وقتی می‌گوید معاشرت معروف کنید یعنی به شکلی که عقلا و عرف خوب می‌دانند عمل کنید منتهی ممکن است بعضی چیزهایی که عرف آن را خوب می‌داند شارع آن را خوب نداند و برعکس. پس مفهوم معروف همان معروف عندالعرف است منتهی با اعمال ملاحظاتی عرفی و شرعی.

## معنای حرف باء در بمعروف

نکته چهارم باء در بمعروف است که می‌گوید «وَأَتَمُّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» بمعروف یعنی زن و شوهر بین خودشان به کار نیک رایزنی کنند. در این جا باء می‌تواند دو طریق معنا شود: یکی این که باء بر متعلق ائتمار وارد باشد و یکی این که باء همان باء سببیه باشد که طریقه ائتمار را بیان می‌کند.

یک معنا این است که باء یکدیگر به شکل خوبی مشورت کنید یعنی تشاورتان بر اساس روش درستی باشد بمعروف در این جا روش مشورت را بیان می‌کند.

معنای دیگر این است که در «وَأَتَمُّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» باء به معنای فی است یعنی در کار نیکی که می‌خواهید انجام دهید مشورت کنید.

در این جا اگر به معنای روش مشورت باشد متعلقش محذوف است ولی اگر به معنای در معروف باشد یعنی کار نیکی که می‌خواهید انجام دهید باز همین‌طور است و از نظر تفسیری و تبیینی دو احتمال در باب آن وجود دارد ولی تغییری در معنا و استدلال ما نمی‌دهد.

## اطلاق آیه ائتمار به مطلق ازواج

نکته پنجم این است که این آیه یا اختصاص دارد به زن و شوهری که طلاق داده شده‌اند و یا شامل مطلق زن و شوهرها می‌شود. البته مورد آیه بیشتر بحث طلاق است یعنی زن و شوهری که طلاق داده کلید پایان‌بر اما بعید نیست که اگر بگوییم منطوق آن را شامل نمی‌شود تنقیح مناط و یا اولویتش در زن و شوهری که طلاق نداده اندرا هم شامل می‌شود و ممکن است کسی بگوید که این آیه القای خصوصیت می‌شود و وقتی گفته می‌شود در حال طلاق رایزنی کنید

برای تعامل خوب نسبت به فرزند، این مطلب در حال زوجیت هم فرق نمی‌کند و با اطمینان به عدم فرق می‌گوییم که واتمرو بینکم بمعروف شامل ازواج است حتی در موقعی که طلاق نداده کلید پایان‌بر و در حال ادامه و استمرار زوجیت هستند. ممکن است کسی تنقیح مناط را نپذیرد و بگوید این تأکید آیه به خاطر این است که بعد از طلاق یک جدایی پیدا می‌شود که در این شرایط تأکید می‌کند ولی علیرغم این نکته ممکن است کسی بگوید که در هر حال آیه می‌خواهد بگوید که اهمیت کار و شرایط فرزند طوری است که حتی در این شرایط هم نباید رهاش کنید و این به این معناست که اصلش را پذیرفته است منتهی می‌گوید فرزند آنقدر مهم است که شما در این شرایط هم نباید رهاش کنید و لذا از این جهت است که با این تنقیحی که عرض خواهد شد ممکن است بگوییم تنقیح مناط و القای خصوصیت هم می‌شود. بل الاولویه یا به دلالت اقتضا یعنی آیه می‌خواهد بگوید آن قدر مهم است و باید به آن رسیدگی شود که حتی اگر طلاق دادید نباید آن را رها کنید که این دلالت اقتضا دارد یعنی امر فرزند و تعامل بین شما در باب فرزند آن قدر مهم است که حتی اگر طلاق دادید نباید آن را رها کنید.

اگر در دلالت ظاهری آیه اطلاق است ولی شأن نزولش فلان موضوع است می‌گوییم مورد مخصص نیست ولی اگر ظهور آیه و مدلول لفظی آیه خطاب به زن و شوهری است که طلاق گرفته کلید پایان‌بر در این مورد نمی‌توانیم بگوییم مورد مخصص نیست و قاعده‌ای که مورد غیر مخصص است یعنی جایی که دلیل به ظهور لفظی شمول دارد و می‌دانیم که شأن نزولش آن قصه است.

بنابراین از این جهت در این آیه سه احتمال وجود دارد: اول این که آیه با منطوق خودش اطلاق دارد ولو صدر آیه است یعنی هم زن و شوهر مطلق را در برمی‌گیرد و هم غیر از آن‌ها را. دوم این است که به تنقیح مناط در حال زوجیت را در برمی‌گیرد. احتمال سوم این است که بگوییم حتی با اولویت آن را در برمی‌گیرد. احتمال چهارم این است که به دلالت اقتضا است یعنی یک تکلیفی را آورده که بدون این که تکلیف در حال زوجیت باشد معنا ندارد و مفروض آیه این است که این‌ها باید به کودک توجه کنند حتی در حالی که طلاق داده کلید پایان‌بر و در هر حال آیه شامل در حال زوجیت هم می‌تواند باشد.

## ائتمار در امور فرزند و روابط والدین

نکته ششم در این آیه این است که در این جا مقصود از تعامل و تشاور در معروف، تعامل و تشاور بین زن و شوهر است یا در ارتباط با فرزند است یا هر دو؟ گفتیم که قطعاً این آیه با فرزند ارتباط دارد و بعید نیست که بگوییم هر دو را

شامل می‌شود. «وَأَتَمُّوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» یعنی تعامل پسندیده در نیکی و کارهای شایسته داشته باشید چه در ارتباط با خودتان و چه در ارتباط با اداره امور فرزند و تعامل این دو نسبت به فرزند قطعاً مشمول آیه است.

## سیاق آیه ائتمار

نکته هفتم این است که آیه در مورد رضاع است ولی «وَأَتَمُّوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» جمله‌ای است که خودش مطلق است و به بحث رضاع اختصاص ندارد منتهی آیه در سیاق رضاع است ولی سیاق هیچ وقت قرینه نمی‌شود برای این که یک جمله‌ای که خودش مستقل موضوعیت دارد و جایگاه دارد از اطلاقش دست برداریم.

### ضرورت تعامل والدین در وظایف تربیتی

نکته هشتم این است که آیه به ضرورت تعامل والدین در انجام وظایف تربیتی تأکید دارد و می‌گوید هماهنگ باشید و با هماهنگی و مشورت کار کنید و این در رضاع و آسایش فرزند و امور حضانت و ... خیلی مؤثر است و لذا یک تأکید ویژه‌ای در این آیه نسبت به تعامل و هماهنگی وجود دارد.

نکته نهم این است که آیا این مخصوص به امر رضاع است یا اعم هست؟ گفتیم که «وَأَتَمُّوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» اعم است و اختصاص به رضاع ندارد.

## وجوب حضانت در آیه ائتمار

نکته دهم از لحاظ حکم است که گفتیم این آیه حکمش الزامی است و ظهور «وَأَتَمُّوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» این است که این تکلیف الزامی و واجب است. بر اساس این نکات استدلالی که برای وجوب حضانت می‌شود به این آیه کرد این است که این آیه بر خلاف آیه مضاره لحن اثباتی دارد و می‌گوید در سامان دادن به امر فرزند و در نیکی به فرزند و اداره زندگی او همکاری کنید.

## جمع بندی

پس با این مقدمه می‌توانیم بگوییم حضانت مفهوم عرفی متداول است یعنی کودک در دوره‌ای در امور طبیعی و جسمی و متعارف خود مشمول لطف و عنایت و حضانت پدر و مادر است.

«وَ اتَّمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» در امر ولد یعنی در کار و شئون ولد به خوبی با یکدیگر تعامل کنید و معنای آن فقط این چنین نیست که به او ضرر نرسانید بلکه علاوه بر این که ضرر نرسانید نفع به او برسانید و امور او را در حد متعارف تدبیر کنید که یکی از این موارد رضاع است و یکی دیگر که مهم تر است حضانت هست .

البته این که حضانت در چه سنی بر عهده چه کسی است جزئیات آن در روایات آمده است ولی اصل آیه می فرماید که حضانت از این کودک و همکاری برای این که این کودک در کنف حمایت پدر و مادر باشد وظیفه پدر و مادر است چه آنهایی که طلاق داده کلید پایان بر و چه قبل از طلاق ، هر دو را شامل می شود و استدلال به این آیه خیلی قوی تر از آیه قبل است .

چون ائتمار از عناوین طریقیه است نمی توانیم بگوییم ائتمار و رایزنی واجب است ولی همکاری یا رسیدگی به آن واجب نیست. ما عنوان مشیر یا طریقی را قبلاً به طور مفصل بحث کردیم و عناوینی که وارد ادله شرعیه می شود تقسیم کردیم به عناوینی که اولاً اصل در عناوین موضوعیت است یعنی اصالة الموضوعية في العناوين الواردة الادلة و بعد گفتیم عناوینی که وارد شده در عین حال دو قسم می شوند: عناوینی که در آن ها اصل موضوعیت است و عناوینی مثل علم و تبیین و همفکری و... که این ها عناوینی هستند که بیشتر مشیر به محتوا می باشند و مقدمه ای هستند برای یک وظیفه دیگر

چند آیه و روایات دیگری هم وجود دارد که در جلسه بعدی بحث خواهیم کرد.